

نقش نمادین حیوانات در
کلیله و دمنه و مرزبان نامه

طاہرہ مہری مالفجانی



نقش نمادین حیوانات در
کلیله و دمنه و مرزبان نامه

طاهره مهری مالفجانی



۱۳۹۹

سرشناسه	مهری مالفجانی، طاهره، ۱۳۵۲-
عنوان قراردادی	کلیده و دمنه، برگزیده، شرح Kalliah va Dimnah. Selections. Commentaries
عنوان و نام پدیدآور	مرزبان نامه، برگزیده، شرح نقش نمادین حیوانات در کلیده و دمنه و مرزبان نامه / طاهره مهری مالفجانی.
مشخصات نشر	تهران: ره آورد مهر، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۱۷۴ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۳۵۵۲۸-۱
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۱۷۱ - ۱۷۳.
موضوع	سمالدین ورلونی، قرن ۷ ق. - مرزبان نامه - نقد و تفسیر
موضوع	Sa'd al - Din al Varavini, 13th century. Marzban nameh-- Criticism and interpretation
موضوع	کلیده و دمنه - نقد و تفسیر
موضوع	Kalliah va Dimnah -- Criticism and interpretation
موضوع	نثر فارسی - قرن ۷ ق. - تاریخ و نقد
موضوع	Persian prose literature -- 13th century -- History and criticism
موضوع	حیوانات در ادبیات
موضوع	Animals in literature
موضوع	حیوان ها در ادبیات - مطالعات تطبیقی
موضوع	Animals in literature -- Comparative studies
شناسه افزوده	نصرالله منشی، نصرالله بن محمد، قرن، عتی. - کلیده و دمنه
شناسه افزوده	مرزبان بن رستم - ۳۰۲ ق. - مرزبان نامه
رده بندی کنگره	PIR۵۰۹۲
رده بندی دیویی	۸۸۸/۸۲۳
شماره کتابشناسی ملی	۷۳۷۳۵۰

نام کتاب: نقش نمادین حیوانات در کلیده و دمنه و مرزبان نامه



نویسنده: طاهره مهری مالفجانی

قطع کتاب: رقعی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۵۵۲۸-۱

ناشر: ره آورد مهر

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول / سال چاپ: ۱۳۹۹

تهران: خیابان انقلاب، خیابان جمالزاده شمالی، کوچه بزمه
پلاک ۱۹، طبقه دوم کدپستی: ۱۴۱۹۹۹۴۳۱۱ تلفن: ۶۶۵۹۳۳۸۲

همراه: ۰۹۳۵۲۷۵۸۲۶۴

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

www.rahavardmehr.com

info@rahavardmehr.com

Rahavardmehrpublish1390@gmail.com

اینستاگرام: @Rahavardmehrpublish

کانال تلگرام: @Rahavardmehr

* تمام حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

تقدیم به

«پدر و مادر»

عزیزانی که به من رسم و راه زندگی آموختند.

فهرست مطالب

پیشگفتار ۹

فصل نخست: درآمدی بر تحلیل موضوعی

۱۳	 کلیله و دمنه و مرزبان نامه
۱۴	 داستان
۱۵	 قصه
۱۷	 ادبیات تعلیمی
۱۹	 نثر شفاهی و زیر مجموعه های آن
۲۰	 سمبل
۲۱	 تمثیل
۲۳	 فابل
۲۵	 شخصیت های تمثیلی

فصل دوم: درآمدی بر شرح تاریخی کلیله و دمنه و مرزبان نامه

۳۲	 کلیله و دمنه
۳۶	 مرزبان نامه

فصل سوم: شرح نقش نمادین حیوانات در کلیله و دمنه و مرزبان نامه همراه با شاهد و مثال

حیوانات اهلی که در کلیله و دمنه و مرزبان نامه دارای نقش های
نمادین متفاوتی هستند:

۴۲.....	اشتر(شتر)
۴۵.....	گربه
۴۹.....	خر

حیوانات اهلی که در کلیله و دمنه و مرزبان نامه دارای نقش های
نمادین مشابه ای هستند:

۵۱.....	سگ
۵۳.....	بط
۵۶.....	مرغ
۵۸.....	گوسفند (گوسپند)
۶۰.....	کبوتر

نقش نمادین حیوانات وحشی در کلیله و دمنه و مرزبان نامه

۶۲.....	موش
۶۴.....	پلنگ
۶۶.....	شیر
۶۸.....	مار
۶۹.....	شغال
۷۲.....	روباه
۷۴.....	آهو
۷۵.....	پیل (فیل)
۷۸.....	گرگ

نقش نمادین پرندگان در کلیله و دمنه و مرزبان نامه

۷۹.....	کبک
۸۰.....	طوطی
۸۱.....	غلیواژ (زغن)
۸۲.....	باز

۸۳.....	زاغ
۸۴.....	عقاب
۸۶.....	دراج
۸۶.....	ماه‌خوار
۸۹.....	طاووس

نقش نمادین حشرات در کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه

۸۹.....	عنکبوت
۹۰.....	پشه
۹۱.....	مگس
۹۱.....	ملخ
۹۲.....	مور (مورچه)

نقش نمادین آبزیان در کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه

۹۲.....	غوک (قورباغه)
۹۳.....	باخه (لاک پشت)
۹۵.....	مار ماهی
۹۵.....	نهنگ

فصل چهارم:

بررسی نقش‌های نمادین حیوانات در کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه و بازجست این حیوانات در دو فرهنگ دیگر

۹۸.....	حیوانات اهلی
۱۱۳.....	حیوانات وحشی
۱۴۵.....	پرندگان
۱۶۰.....	آبزیان
۱۶۸.....	پسگفتار
۱۷۱.....	کتابشناسی

پیشگفتار

نقش آفرینی حیوانات در آثار ادبی با بستری طولانی و متنوع شیوه و شگردی است که از حضور تکراری و یکنواخت شخصیت‌های انسانی می‌کاهد و به اثر جذابیت و تنوع می‌بخشد.

در برخی از آثار تعلیمی نویسندگان منظور خویش را از زبان حیوانات بیان کرده‌اند زیرا در برخی دوران امکان مستقیم‌گویی وجود نداشت، در نتیجه پند و حکمت یا حتی اعتراض از زبان حیوانات بیان می‌شد.

در برخی از موارد نیز نویسندگان برای بیان موضوع مورد نظر خویش از قانون جنگل تبعیت می‌کردند. زیرا قانون جنگل به گونه‌ای است که حیوان قوی‌تر و زورمند بر کم‌توان پیروز می‌شود و برای بقا باید جنگید و در چنین فضایی بیان زورگویی آسان و به دور از هرگونه خرده‌گیری امکان‌پذیر است.

بسیاری از داستان‌هایی که حیوانات در آن نقش دارند، در قلمرو ادبیات شفاهی بوده و سینه به سینه و دهان به دهان گشته و به روزگار ما رسیده است. برخی از حیوانات یاری‌کننده‌ی قهرمانان انسانی و برخی از حیوانات دشمن و مزاحم و مانع قهرمانان محبوب اساطیری هستند. حیوانات در اساطیر و ادیان گاه مبارک و مقدس و گاه شوم و منفور دانسته شده‌اند. دلیل دیگر بیان داستان‌ها از زبان حیوانات شاید این باشد که گاه برخی از ویژگی‌های

انسانی به حیوانات نزدیک است و سبب می شود تا نویسنده شخصیت های انسانی داستان خویش را به حیوانات بدل کند و آنها را در داستان هایش بیاورد مانند آدم های زبر و زرنگ به پلنگ، مرموز به روباه و مار، درنده خو به گرگ، پاک و آسمانی به کبوتر و... تشبیه می شوند. راز ماندگاری کلیله و دمنه و مرزبان نامه آن است که نکات سرشت مشترک همه ی انسان ها از زبان حیوانات بیان می شود و در آن همسویی عاطفی از نوع عاطفه انسانی است که سبب گردیده تا این دو اثر در ردیف شاهکارهای ادبی قرار گیرند.

از آنجایی که کلیله و دمنه و مرزبان نامه به دلیل کثرت و تنوع داستان ها دارای پتانسیل های فراوانی برای بازنویسی و بازآفرینی هستند و با به کارگیری حیوانات در این داستان ها از حضور تکراری و یکنواخت شخصیت های انسانی کاسته شده و حضور حیوانات به جذابیت داستان ها می افزاید، در این کتاب نوع نگاه نویسندگان و استفاده آنها از حیوانات در به ثمر رساندن یک اثر تعلیمی مورد بررسی قرار گرفته است.

در خصوص کلیله و دمنه و مرزبان نامه پژوهش و تحقیق بسیار انجام گرفته که در فصل دوم به تفصیل به این موضوع پرداخته شده است.

این کتاب سعی دارد با بررسی تطبیقی نقش نمادگونه حیوانات در دو اثر کلیله و دمنه و مرزبان نامه از زاویه دیدی نو به نگاهی نو در این زمینه دست یابد.

دستیابی به نوع بیان در این دو اثر از دیدگاه ادبیات تعلیمی و نوع به کارگیری حیوانات و مقایسه نوع نگاه هر نویسنده از جمله اهداف این پژوهش به حساب می آید.

- حیوانات پر کاربرد در دو اثر کلیله و دمنه و مرزبان نامه کدامند؟

- حیوانات در دو اثر به چه منظوری به کار گرفته شده اند؟

- آیا نقش تمام حیوانات نمادین و سمبلیک است؟

- راز ماندگاری این دو کتاب چیست؟

حیوانات فقط به عنوان حیوان در داستان‌ها نقش آفرینی می‌کنند یا برای رساندن پیامی تعلیمی به کار گرفته شده‌اند.

فصل نخست به تحلیل موضوعی کتاب کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه و فصل دوم به شرح تاریخی این دو کتاب پرداخته است.

در فصل سوم شرح کاملی از مقایسه تطبیقی نقش نمادین حیوانات در کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه آورده شده است. در این فصل همراه با شرح نقش نمادین هر حیوان، شاهد و مثالی از هر دو کتاب ذکر شده و داستان‌های خواندنی از کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه آورده شده است. در ادامه بعد از بررسی نقش نمادین هر حیوان در کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه نوع نگاه مردم جهان به این نمادها نیز مورد بررسی قرار گرفته و شرح نمادهایی که در کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه مورد بررسی قرار گرفته‌اند، از دو کتاب «فرهنگ مصور نمادهای سنتی نوشته‌ی جی.سی. کوپر، ترجمه سرکار خانم ملیحه کرباسیان» و همچنین کتاب «فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب نوشته‌ی جیمز هال و ترجمه‌ی سرکار خانم رقیه بهزادی» استخراج و برای آشنایی بیشتر خوانندگان آورده شده است.

همچنین تمام حیواناتی که به عنوان نماد در دو کتاب کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه به کار گرفته شده‌اند، در قالب جدول و نمودار به ترتیب فراوانی در هر کتاب نیز آورده شده است، امید که این تلاش ناقابل مورد توجه ادب‌دوستان قرار گیرد.

در پایان از همه‌ی یاری‌گران خود که دشواری‌های زندگی را با وجودشان آسان می‌بینم، سپاسگزارم. برای وجود پرمحبت استادان ارجمندم دکتر آذرمیدخت رکنی، آقای محمد اسفراینی‌نژاد، دکتر کورش سالاری، دکتر محمود کمالی و دکتر مرجان اکبرزاده به پاس رهنمودهای بی‌دریغشان تا همیشه سرور و عافیت آرزو دارم.

فصل نخست:

درآمدی بر تحلیل موضوعی

کلیله و دمنه و مرزبان نامه

عمده‌ترین درونمایه‌ها در داستان‌های قدیمی، مفاهیم اخلاقی مثل ایثار، نیکوکاری، توکل و پرهیز از صفات رذیله است که در قلمرو اخلاق اجتماعی می‌گنجد. زیرا داستان‌های قدیمی بیشتر بر محور اخلاق نگاشته می‌شد. از آنجایی که در این تحقیق با دو اثر کهن روبرو هستیم لازم است تعریفی از قصه، حکایت و داستان برای درک بهتر این دو اثر داشته باشیم:

داستان

در مورد داستان، تعاریف گوناگونی ارائه شده است، مثلاً: «داستان را نظیره‌ای از زندگی فردی و اجتماعی آدمیان در قالب الفاظ دانسته‌اند که خواه به نظم و خواه به نثر ظاهر می‌شود که در طی آن قهرمانان در محیطی معین کردارهایی را بر بنیاد و منطقی مشخص آغاز کرده و به پایان می‌رسانند که روند این کردارها در فرجام، مبین دگرگونی در کیفیت خویش است و این تحول کیفی روند کردارها، به گونه‌ای صورت می‌گیرد که حال خواننده یا نگرنده را منقلب می‌گرداند.^۱ و یا «داستان، نمایشی کوششی است که سازگاری افکار و عواطف را موجب می‌شود.^۲»

۱- سرامی، قدمعلی، از رنگ گل تا رنج خار (شکل‌شناسی قصه‌های شاهنامه)، (تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶)، ص ۵۲- ۵۱

۲- میرصادقی، جمال، عناصر داستانی، (تهران، نشر سخن، ۱۳۸۸)، ص ۳۲

و نیز داستان «نقل وقایع است به ترتیب توالی زمان و شنونده را بر آن می‌دارد که بخواهد بداند بعد چه پیش خواهد آمد... داستان در حقیقت ساده‌ترین ارگانیسم ادبی است با همه‌ی این احوال مهم‌ترین عامل مشترکی است که در همه‌ی ارگانیسم‌های پیچیده‌تری که به رمان معروفند، وجود دارد.^۱»

نادر ابراهیمی دو تعریف برای داستان قائل شده است. «در تعریف کلی و عام، هر واقعه و رویداد را با حفظ و تداوم وقوع زمانی، منطقی و طبیعی، داستان نامیده و در تعریف هنری و خاص، داستان را بیان واقعه‌ای دانسته است که در آن مجموعه عنصر اساسی مانند شخصیت، زبان، فضا، ساختمان، موضوع، محتوا و... حضور و نفوذ محتوم داشته باشد و کارکرد زمان و روش‌های زمان‌بندی در آن نقش خاص، اندیشمند، ظریف، تفکر طلب و بدون زوائدی یافت بشود.^۲»

اصولاً داستان در هر دوره‌ی تاریخی، براساس تحولاتی که یافته، تعریف خاصی داشته است.

قصه

قصه^۳ در لغت به معنی پی گرفتن است، اما در اصطلاح ادبی برای این نوع از داستان تعاریف گوناگونی ارائه شده است. از جمله قصه «روایتی است تخیلی به نثر یا به شعر که تأکیدش بیشتر بر حوادث شگفت و نامعمول است.^۴»

«برخی گفته‌اند که معادل حکایت است و برخی از نویسندگان اصطلاحات قصه و

۱- فورستر، ادوارد مورگان، جنبه‌های رمان، ترجمه‌ی ابراهیم یونسی، تهران: نشر نگاه، ۱۳۶۹، ص ۳۲
 ۲- ابراهیمی، نادر، ساختار و مبانی ادبیات داستانی، ج ۱، تهران: نشر حوزه هنری، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۱۲ - ۱۱

3- (Tale)

۴- آلوت، میریام، رمان به روایت رمان‌نویسان، ترجمه‌ی علی محمد حق‌شناس، تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۸، ص ۵۰

داستان کوتاه را مترادف می‌دانند. در صورتی که آن دو فرق آشکاری با هم دارند.^۱ ابراهیم یونسی قصه را این‌گونه تعریف کرده است: «قصه روایت ساده و بدون طرحی است که اتکای آن به طور عمد به حوادث و کاراکتریزاسیون است و خواننده و شنونده هنگامی که آن را می‌خواند و یا به آن گوش می‌دهد، به پیچیدگی خاص و غافلگیری و اوج و فرود مشخصی بر نمی‌خورد... نمونه‌ی این شکل کار، در ادبیات ما به فراوانی دیده می‌شود.^۲»

«ویژگی عمده‌ی قصه، تأکید بر حوادث خارق‌العاده است و مهم‌ترین هدف آن ایما و کشش و سرگرمی و نیز ترویج و اشاعه‌ی اصول انسانی و ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، اقلیمی و سنتی است. ارزش‌هایی مثل برادری و برابری، عدالت و شجاعت، بخشش و عشق در قصه نمود آشکاری دارد.^۳»

علاوه بر موارد ذکر شده، قصه ویژگی‌های دیگری را نیز داراست. از جمله اینکه: «روایت آن خطی و زنجیره‌ای است، قطعیت‌نگر و کلی‌نگر است و همچنین متکی به اطلاعات بیرون از متن است. یعنی قصه توضیحات خود را از پدیده‌ها به خارج از متن ارجاع می‌دهد که همان اعتقادات و دانسته‌های خوانندگان از افسانه‌ها و اسطوره‌هاست.^۴»

«داستان‌های نقل شده از زبان حیوانات، داستان‌های اخلاقی و آموزنده‌ای هستند که در شیوه‌ی فنی و ادبی خاصی حکایت می‌شوند. قهرمانان این داستان‌ها غالباً از جانوران و گیاهان و جمادات هستند که نقش سمبلیک شخصیت‌های داستان را بازی می‌کنند

۱- سعیدیان، عبدالحسین، دایره‌المعارف ادبی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵، ص ۵۲۴

۲- یونسی، ابراهیم، هنر داستان‌نویسی، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۶۵، ص ۴

۳- انوشه، حسن، دانشنامه‌ی ادب فارسی، ج ۲، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۲۱

۴- حسینی، محمد، ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن (بازخوانش دوازده قصه قرآنی)، تهران، ققنوس، ۱۳۸۲، ص ۳۳

و گاهی نیز انسان‌ها در قالب و نماد اشخاص واقعی داستان گذارده می‌شوند. این گونه داستان پیش از آنکه به مرحله فولکلوریک و سبک ادبی خاص ارتقا یابد، بیشتر جنبه ابتدایی و فطری داشته است و غالباً طبقه عوام از این راه به توجیه پدیده‌های طبیعت بر پایه باورهای اساطیری و متافیزیکی می‌پرداختند.^۱

ادبیات تعلیمی

این داستان‌ها اغلب در قالب ادبیات تعلیمی بیان شده‌اند: «ادبیات تعلیمی، نوشته‌ها و آثاری است که برای خواننده و دریافت‌کننده پیام دانش و معارفی را بیان کند و یا تعلیماتی از قبیل علوم فلسفی، مذهبی و دیگر علوم را انتشار دهد.

در اصطلاح، ادبیات تعلیمی یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین انواع ادبی است که هدف اصلی آن آموزش است. این اصطلاح از بدو پیدایش به دو معنای خاص و عام به کار رفته، در گذشته معنای خاص آن بیشتر مورد توجه بوده اما بعدها معنای عام آن اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته است:

الف: ادبیات تعلیمی در معنای خاص خود شامل دستورالعمل‌هایی بوده که به آموزش یک فن یا هنر خاص اختصاص داشته است. قدیمی‌ترین نمونه از این دست، شعری از هسیود یونانی^۲ است که تجربه‌های خود را در کشاورزی به برادر خود می‌آموزد. ویرژیل شاعر رومی نیز منظومه‌ای دارد که موضوع آن چگونگی اداره مزرعه و نگهداری از آن است.

ب: ادبیات تعلیمی در معنای عام به آثاری گفته می‌شود که موضوع آن مسائل اخلاقی، عرفانی، مذهبی، اجتماعی، پند و اندرز، حکمت و... است.

۱- غنیمی هلال، محمد، ادبیات تطبیقی (تاریخ و تحول‌پذیری و اثرگذاری فرهنگ و ادب فارسی)، ترجمه سید مرتضی آیت‌...زاده شیرازی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳، ص ۲۲۶

۲- قرن هشتم قبل از میلاد

امروزه وقتی از ادبیات تعلیمی سخن می‌گویند، منظور ادبیات تعلیمی در معنای عام است. به نظر می‌رسد که شاعران فارسی زبان در سرودن شعر تعلیمی متأثر از اندرزنامه‌هایی باشند که قبل از اسلام در دوران ساسانیان نوشته شده بود. آفرین‌نامه اثر بوشکور بلخی و کلیله و دمنه منظوم رودکی که بیت‌هایی پراکنده از آنها باقیمانده است. هر چند آثار منثور نیز به ادبیات تعلیمی پرداخته‌اند و نمونه‌هایی مثل قابوسنامه، گلستان سعدی، سیاست‌نامه و... پدید آمدند اما در حوزه شعر نمونه‌های هنری‌تر، والاتر و درخشان‌تری از این نوع ادبی را می‌توان دید.

به هر حال ادبیات تعلیمی مملو از حکایاتی است که گاه خطی از آنها می‌تواند موجب دگرگونی زندگی و منش انسان گردد.^۱

در تعریف ادبیات تعلیمی در نثر، شمیسا می‌نویسد:

«اثر تعلیمی^۲ اثری است که دانشی (چه عملی و چه نظری) را برای خواننده تشریح کند یا مسائل اخلاقی، مذهبی، فلسفی را به شکل ادبی عرضه دارد. البته ادبی بودن اثر تعلیمی مقول، بالتشکیک است؛ یعنی در آثاری، عناصر و مایه‌های ادبی کمتر و در آثاری بیشتر است.^۳»

بر این اساس ادبیات سنتی یا کهن شامل قصه‌ها و اشعاری است که در پاسخ به نیاز انسان برای درک بیشتر دنیای طبیعی و معنوی خویش پدید آمده و در طی اعصار، با سنت قصه‌گویی شفاهی حفظ شده است و به دلیل نداشتن مؤلف مشخص به تمام انسان‌ها و فرهنگ‌ها تعلق دارد.

۱- حسینی‌طه، سیدمحسن، «درآمدی بر ادبیات تعلیمی» روزنامه اطلاعات، شماره ۲۳۶۴۲، ۱۳۸۵، ص ۶
2- Didactic Literature

۳- شمیسا، سیروس، انواع ادبی، ویرایش سوم، چاپ نهم، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۸۱، ص ۲۶۹

نثر شفاهی و زیرمجموعه‌های آن

اساساً ادبیات شفاهی به حوزه‌ی نظم و نثر تقسیم می‌شود که نمونه‌ی نثر شفاهی را هم می‌توان به دو گروه روایی و غیرروایی تقسیم کرد. گونه‌ی غیرروایی همان فولکلور خُرد و گونه‌ی روایی آن فولکلور کلان نامیده می‌شود. نفرین، دعا، مَثَل، کلمات قصار و دشنام از نمونه‌های نثر غیر روایی است.

از میان گونه‌های روایی هم می‌توان به اسطوره، حکایت، لطیفه، خاطره، افسانه و داستان بلند اشاره کرد. اصطلاح افسانه یا قصه، در مباحث ادبی ما تقریباً به همه‌ی گونه‌های نثر شفاهی روایی اطلاق می‌شود. در ادب کلاسیک ایران، اصطلاحات افسانه، قصه، حکایت، نقل، روایت، داستان، تمثیل و حدیث کمابیش به یک معنی هستند. بر شمردن چند نمونه از آثار منثور روایی با همین خصوصیات فوق، خالی از لطف نیست. فقط در سندبادنامه اثر ظهیری سمرقندی^۱ اصطلاح افسانه (ص ۹۴) حکایت (ص ۹۷) مَثَل (ص ۱۲۴)، در کلیله و دمنه‌ی نصرالله منشی نیز به همین ترتیب است. اما بسامد مَثَل و حکایت و داستان بیشتر به چشم می‌خورد. در مرزبان‌نامه ترجمه‌ی سعد وراوینی^۲ هم همین‌طور است اما افسانه و داستان بسامد بیشتری دارد.

در سراسر مرزبان‌نامه برای روایت قصه، از کلمه‌ی داستان استفاده می‌شود مثل: «چون بود آن داستان؟» اما در انتهای روایت این عبارت تکرار می‌شود. این افسانه از بهر آن گفتیم...؟! در کلیله و دمنه در آغاز هر فصل، بدون استثنا از واژه‌ی داستان استفاد می‌شود اما در متن داستان می‌گوید این قصه، این مثل، این داستان. جالب اینجاست که هر کدام از شخصیت‌ها در روایت داستان خود از عبارت «آورده‌اند در حکایات که...» استفاده می‌کنند.

«نتیجه‌ای که از این تفاسیر به دست می‌آید آن است که مرز مشخصی بین داستان، قصه، حکایت، مَثَل و تمثیل و حدیث کشیده نشده و اغلب مترداف یکدیگرند.^۱»
از آنجایی که در جای جای دو اثر ارزشمند کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه حیوانات نمادگونه به کار گرفته شده‌اند در ادامه به بررسی سمبل یا نماد می‌پردازیم:

سمبل

«سمبل^۲ را در فارسی رمز و مظهر و نماد می‌گویند و سمبل نیز مانند استعاره رابطه‌ای دو سویه است. به سویه غایب مظهر^۳له (یا مرموز^۴الیه یا بود) و به سویه حاضر مظهر (یا رمز یا نمود) می‌گوییم.^۵»

و به اعتقاد شمیسا بهتر است سمبل را سه نوع بدانیم:

۱- «وضع‌ی یا قراردادی: شاعر خود سمبل را وضع می‌کند، مثل سمبل‌های منطق‌الطیر: بط سمبل زاهدان و متشرعان و اهل ظاهر است.

۲- سنتی: که در افواه مردم ساری است و به همان وضع هم در آثار ادبی استفاده می‌شود. مثلاً شیر سمبل شجاعت است. استفاده از این هر دو نوع خودآگاهانه است.

۳- شخصی: سمبلی است ناخودآگاه مثل زنبور طلایی در بوف کور یا پنجره در شعر فروغ.^۶»

۱- پورنامداریان، تقی، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۱۸

2- symbol

۳- شمیسا، همان، ص ۳۲۱

۴- شمیسا، همان، ص ۲۲۴

تمثیل

«تمثیل در معنای عام، معادل و مرادف تشبیه است و در معنای تشبیه به کار می‌رود، زیرا «مَثَل»، که ریشه‌ی واژه‌ی تمثیل است، معنای «شبه» می‌دهد.^۱ تمثیل در معنای خاص، گونه‌ای تشبیه است و به تعبیر اهل منطق، نسبت تشبیه و تمثیل، عموم و خصوص مطلق است، یعنی «هر تمثیلی تشبیه است» اما «بعضی از گونه‌های تشبیه، تمثیل به شمار می‌آید.» (جرجانی در اسرارالبلاغه ص ۸۴) این معنا را تصریح می‌کند و تشبیه را عام و تمثیل را نسبت بدان خاص می‌شمارد و تأکید می‌ورزد که هر تمثیلی به ناگزیر تشبیه است، اما هر تشبیه‌ی الزاماً تمثیل نخواهد بود. برخی از متون ادبی مثل کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه و به ویژه بسیاری از آثار عرفانی قدما آکنده از داستان‌های تمثیلی است؛ چنانکه داستان‌های منطق‌الطیر یا مقامات‌الطیور سروده شیخ فریدالدین عطارنیشابوری، نه فقط با عنوان حکایت، که غالباً با عنوان‌الحکایه و التمثیل طرح شده‌اند.^۲ بدین ترتیب، تمثیل در معنای خاص دارای سه معنی است:

تشبیه تمثیل؛ استعاره‌ی تمثیلیه و داستان تمثیلی.

الف: «تشبیه تمثیل، تشبیه‌ی است که وجه شبه آن از مجموع یا از امور متعدد انتزاع شده است.^۳»

ب: «استعاره‌ی تمثیلیه (تمثیل)، گونه‌ای استعاره مصرحه است که با ذکر مشبه به (مستعار منه) و حذف مشبه (مستعار له) شکل می‌گیرد.

۱- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت، دارالکتب العلمی، ۱۴۱۲/۱۹۹۱، ص ۴۷۱

۲- ر. ک. منطق‌الطیر، صص ۲۲، ۲۹-۳۰، ۳۲ و جاهای دیگر

۳- جرجانی، عبدالقاهر بن الرحمان، اسرارالبلاغه، استانبول، چاپ هلموت ریتز، ۱۹۵۴، ص ۲۲۰